



تحلیل معنایی واژه سکینه و اقسام آن در آیات و روایات ائمه علیهم السلام و بررسی رابطه آنها

## گونه‌شناسی روایات تفسیری در تفسیر منسوب به امام حسن

عسکری علیه السلام\*

امیرحسین دهقان انارستانی\*\*

۱۵۲



سال سیزدهم / شماره ۲۵ / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

### چکیده

گونه‌شناسی روایات تفسیری با هدف دسته‌بندی منطقی و تنظیم روشمند داده‌های پراکنده تفسیری موجود در احادیث انجام می‌شود. این روش می‌تواند به رویکرد ترجمانی و یا تحلیلی روایات تفسیری کمک شایانی کند. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام به‌عنوان یک تفسیر روایی نیازمند دسته‌بندی محتوایی است. شناخت مبانی و روش‌های مختلف مرتبط با تفسیر آیات قرآن به‌جهت استخراج روشمند معارف قرآنی، یکی از اهداف این تحقیق است. همچنین کشف منفردات موضوعی و یافتن میزان اعتبار آنها از طریق نمایش موارد همگون روایی در دسته‌بندی‌های تفسیری امکان‌پذیر است. در مقاله پیش رو به شش گونه تفسیری دست یافته شده که عبارت‌اند از: قرآن شناخت، تبیینی، تفسیر به مدالیل متعارف در محاوره عقلا، تفسیر به مدالیل مغفول در محاوره عقلاء، تفسیر رمزی و روایات بیان تفصیلی مبهمات (اماکن و اشخاص) و مجملات (معارف، قصص، احکام و مثال‌های قرآن). این گونه‌ها دارای فروعاتی نیز هستند که در پژوهش حاضر همراه با نمونه‌هایی از آنها نیز اشاره شده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن شناخت، تبیین مبانی، محاوره عقلاء، تفسیر مبهمات، رموز قرآن.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵.

\*\* دانش‌پژوه سطح سه مرکز تخصصی علوم حدیث، قم، ایران؛ (amirnoot313@gmail.com).

## مقدمه

تفسیر قرآن کریم با بهره‌گیری از متون روایی اهل بیت علیهم‌السلام از جمله راه‌های مهم برای دستیابی به مراد و مقصود خداوند است و تراش روایی شیعه حاوی روایات تفسیری مختلف از ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. یکی از این تراش روایی - تفسیری، تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام است که در میزان اعتبار آن بین محققین و علمای امامیه اختلاف نظر وجود دارد. از آنجا که بیشتر مباحث حول این تفسیر به مباحث سندی تعلق یافته و مباحث محتوایی حتی با رویکرد اعتبارسنجی جایگاه بایسته خود را ندارد لازم است تحقیقاتی حول این محور صورت گیرد که از جمله آن شناخت موضوعات مرتبط با تفسیر قرآن و گونه‌شناسی محتوایی تفسیر منسوب می‌باشد. گونه‌شناسی در واقع «طبقه‌بندی روشمند و منطقی روایات تفسیری و تعیین نسبت آنها با قرآن با هدف سازمان دهی علمی فرایند تفسیر» می‌باشد که در مقاله پیش رو به این فرایند یا همان دسته‌بندی محتوایی روایات تفسیری تفسیر منسوب با روشی شمولی توجه نموده‌ایم تا مباحث پراکنده‌ای که در متن تفسیر وجود دارد در قالب موضوعات مرتبط با مباحث تفسیری، جمع آوری و منسجم گردد. این دسته‌بندی موضوعی می‌تواند فهرستی از موضوعات متعدد با محتواهای مختلف را در اختیار پژوهشگر قرار دهد تا با شناخت رویکرد تفسیر مذکور در تفسیر و تاویل آیات به اعتبارسنجی متنی و یا تحلیل محتوایی تفسیر همت گمارد.

این تحقیق بر اساس جمع آوری داده‌های مرتبط با روش کتابخانه‌ای و با مطالعه تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام انجام شده است و در مسیر پردازش داده‌ها از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

پیش از این تحقیق، پایان نامه‌ای با عنوان «گونه‌شناسی روایات تفسیری امام حسن عسکری علیه‌السلام در تفسیر قرآن» توسط نسیم پناهی فر تالیف شده که اختصاص به تفسیر منسوب ندارد بلکه همه روایات تفسیری به ادعای نویسنده گونه‌شناسی شده است. همچنین دسته‌بندی داده‌ها از سیر منطقی تبعیت نمی‌کند؛ چراکه تحقیق مذکور روایات تفسیری را به ده‌گونه روایات تبیین معنا، تعیین مصداق، روایات مشتمل بر علوم قرآن، روایات تعلیم قرآن، استناد و استشهداد به آیات، تفسیر آیه با عمل به مفاد آن، بهره‌گیری از قواعد ادبی، ذکر جزئیات داستان‌های قرآنی و بهره‌گیری از تمثیل تقسیم کرده است در حالی که بهره‌گیری از قواعد ادبی و استفاده از تمثیل می‌توانست ذیل یک عنوان کلی به نام «روایات تفسیر به محاوره غیر مغفول در محاوره عقلا» قرار گیرد که خود به علم اشتقاق، نحو و بلاغت قابل تقسیم و نمونه‌یابی است؛ کاستی‌هایی که تحقیق

پیش رو در صدد رفع و جبران آن بر آمده است. همچنین روایات مشتمل بر شان نزول مناسبتر است تحت عنوانی به نام «معرفی راه‌های ارتباطی رسیدن به مقصود آیات» قرار می‌گرفت در حالی که ذیل روایات مشتمل بر علوم قرآنی قرار گرفته که با ذکر نقش شأن نزول در فهم آیات همراه نیست. همچنین در تحقیق مذکور هیچ اشاره مستقلى به مبانی و روشهای تفسیر قرآن نشده و روایات تبیین کننده وجوه معانی و نقش آن در رسیدن به مقصود آیات بیان نگردیده است.

اما تحقیق پیش رو علاوه بر دسته‌بندی منطقی‌تر و جای‌دادن فروع گونه‌شناسی در ذیل عناوین عام و شمولی به نمونه‌های بیشتری اشاره نموده و گونه‌شناسی جامع‌تر و منسجم‌تری ارائه نموده است که بر اهل تحقیق پوشیده نیست. شایان ذکر است، این تحقیق بر اساس روش گونه‌شناسی استاد شاه‌علیزاده و بر اساس جزوه درسی ایشان تنظیم گردیده است. در ادامه به گونه‌شناسی این روایات پرداخته می‌شود.

### الف. روایات قرآن شناخت

یکی از گونه‌های روایات تفسیری در کتب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، روایات قرآن شناخت است. روایات قرآن شناخت به روایاتی گفته می‌شود که «قرآن و حالات آن را» برای عموم مخاطبان معرفی می‌کند، در واقع این دسته از روایات به شناخت ویژگی‌هایی می‌پردازند که آشنایی با آنها زمینه فهم صحیح آیات را فراهم می‌سازد و در مواردی فضای نزول آیات و آثار تکوینی آنها در دنیا و آخرت را به مخاطب عرضه می‌کند. در این گونه تفسیری، ۳۵ روایت ذکر و یا ارجاع داده شده است که خود به سه بخش تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

#### ۱. روایات بیان فضائل و خواص آیات و سوره‌ها

این دسته از روایات تفسیری به‌عنوان اولین فرع از روایات قرآن شناخت به بیان فضائل و فوائد معنوی قرآن کریم با عنوان «فضائل قرآن و آیات و سوره» می‌پردازد و نیز به فوائد مادی قرآن با عنوان «خواص آیات قرآن کریم» اشاره می‌کند. به‌عنوان نمونه دسته اول روایات، بیانگر صفاتی چون شفای نافع<sup>۱</sup> داروی با برکت، حافظ کسی که به آن چنگ زند، نجات‌دهنده پیروی‌کننده، دائم‌العجائب‌بودن<sup>۲</sup>، ریسمان محکم، مرتبه رفیع، بهترین شفا‌دهنده، بزرگترین فضیلت، برترین سعادت، نورانی کننده، حفظ‌کننده، نجات‌دهنده، بالا برنده، شفا‌دهنده، هدایت‌کننده، سعادت بخش<sup>۳</sup> و مرکز تادیب خداوندی<sup>۴</sup> می‌باشد. در مورد دسته دوم نیز روایت:

۱. این روایت در مقدمه تفسیر ذکر شده است که جز کلام منسوب به امام عسکری علیه السلام است.

۲. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۴۴۸ و ۴۴۹ (ذیل آیه ۹۷ سوره بقره).

۴. همان، ص ۶۰.

و یدفع الله عن مستمع القرآن بلوی الدنيا...<sup>۱</sup> بیانگر آثار دنیوی گوش سپردن به قرآن است.<sup>۲</sup>

## ۲. روایات توجه به ویژگی‌های گوینده و مخاطب وحی

شناخت جایگاه و شأن «گوینده» و «مخاطب» در ادراک صحیح از هر متن، تأثیر به‌سزایی دارد؛ چراکه اگر متن وحی بدون پیش فرض شناخت جایگاه گوینده و مخاطب مورد بررسی قرار گیرد ممکن است در مراحل به خطای در فهم و عدم ادراک مناسب با حقیقت منتهی گردد. در این راستا لازم است به‌عنوان موید این رویکرد، نمونه‌هایی از روایت آورده شود که نشانگر توجه پیشگامان تفسیر قرآن نسبت به دخیل دانستن موارد مذکور در فهم درست از متن وحی خواهد بود.

### ۲/۱. روایات توجه به ویژگی‌های گوینده وحی

همان‌طور که اشاره شد، پیش فرض‌های ذهنی نسبت به شأنیت متکلم هر کلام، بر نوع برداشت از آن سخن تأثیر به‌سزایی دارد به‌عنوان نمونه اگر حکیم یا عارفی سخنی گوید با صرف نظر از مراد استعمالی، شأن متکلم در نظر گرفته‌شده و مراد جدی گوینده نیز بر اساس همین پنداشت، ارزیابی می‌شود. مثلاً اگر عارفی از شراب و مستی سخن گوید، حمل بر معانی عرفانی و مجازی خواهد شد. در روایات تفسیری هم به مدل‌هایی از این رویکرد مواجه می‌شویم که می‌توان به دو نمونه زیر اشاره کرد:

نمونه اول: خداوند متعال در قرآن کریم صفت مسخره‌کردن را به خود نسبت می‌دهند ﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمْدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾<sup>۳</sup> اما از آنجا که مسخره‌کردن از افعال زشت و ناپسند محسوب می‌شود، لذا ترجمه آیه به اینکه خدا هم مسخره‌کنندگان آیات الهی را مسخره می‌کند درست نیست؛ چراکه شأن گوینده وحی بالاتر از آن است که افعال ناپسند را انجام دهد لذا امام عسکری علیه السلام عبارت «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» را اینگونه معنا می‌کنند که «پروردگار جزای کار آنها را در دنیا و آخرت خواهد داد».<sup>۴</sup> تفسیری که در آن به شان و ویژگی متکلم وحی توجه شده است. نمونه دوم: استدراک از جمله اشتباه ما قبل با صفت علم غیب خداوند در تعارض است لذا با در

۱. همان، ص ۱۳.

۲. برای نمونه بیشتر رک: در بیان فضیلت سوره حمد (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۲۹) و فضیلت قرآن (همان ص ۱۵) و فضائل آیات پیرامون آیات ۱ تا ۶ سوره حمد (همان، ص ۵۸ و ۵۹) و بیان فوائد معنوی تلاوت این سوره (همان، ص ۲۹)، تلاوت قرآن (همان، ص ۱۴)، شنیدن کلام وحی (همان، ص ۱۳) و فضیلت سوره بقره (همان، ص ۶۰) و آورده های آیه بسم الله (همان، ص ۲۵ و ۵۹۱)

۳. بقره: ۱۵.

۴. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۱۲۳.

نظرگرفتن این ویژگی گوینده وحی واژه «او» در آیه «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» به معنای بازگشت از جمله اشتباه پیشین نمی‌باشد چراکه شأن علمی خداوند برتر از آن است که مطلبی را به اشتباه بگوید و سپس تصحیح کند.

لذا امام علیه السلام معنای آیه را این‌گونه بیان می‌کنند:

در واقع خداوند متعال این عبارت را بر شنوندگان مبهم نموده است و برای آنها تبیین ننموده است همان‌طور که ممکن است شخصی بگوید من نان یا گوشت خوردم که منظور او این نیست که نمی‌دانم چه خورده‌ام بلکه می‌خواهد برای شنونده ایجاد ابهام کند تا شنونده نفهمد که او چه چیزی تناول است.<sup>۱</sup>

### ۲/۲. توجه به ویژگی‌های مخاطب وحی

پیامبر گرامی اسلام به‌عنوان مخاطب وحی دارای کامل‌ترین و برترین صفات اخلاقی یا همان خلق عظیم بوده و از هرگونه صفتی که با عصمت وی مخالف باشد مبرا است؛ حال اگر ظاهر آیه و یا آیاتی با این مهم هم‌خوانی نداشته باشد باید آیه را به‌گونه‌ای تفسیر کرد که با این مهم سازگار گردد. برخی از آیات قرآن صفاتی چون فراموشی را از پیامبر سلب می‌کند، به این معنا که فراموشی جز با خواست خدا برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رخ نمی‌دهد «سَنُقَرِّئُكَ فَلَاتُتْسَىٰ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ»<sup>۲</sup> در واقع مراد آیه این‌گونه بیان شده است که اگر خداوند بخواهد ذکر آیه را از قلب تو بر می‌دارد<sup>۳</sup> نه اینکه خود به خود آیه را فراموش می‌کنی. لذا ترجمه آیه به فراموشی ممکن<sup>۴</sup> اشتباه به نظر می‌رسد؛ چراکه با شأن مخاطب وحی سازگار نیست چنانچه از بیان امام نیز این نکته قابل استخراج است.

### ۳. معرفی راه‌های ارتباطی رسیدن به مقصود آیات

یکی از گونه‌های روایات قرآن شناخت معرفی راه‌های ارتباطی رسیدن به مقصود آیات است. برای فهم متن وحی و به‌طور کلی ادراک هر ترکیب متنی ما به دو نوع قرینه نیازمند هستیم یکی قرائن درونی و دیگری قرائن بیرونی؛ قرائن درونی در واقع از خود متن استفاده می‌شود و سیاق و مبدا و منتهای هر متن در فهم آن دخیل می‌گردد. اما قرائن بیرون متنی قرائنی هستند که گرچه در متن

۱. همان، ص ۲۸۳ و ۲۸۴، (ذیل آیه ۷۴ سوره بقره).

۲. اعلی: ۶.

۳. قَالَ الْإِمَامُ ع: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عليه السلام مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ بَأَنَّ نَزَعَ حُكْمَهَا أَوْ نَسَهَا بَأَنَّ نَزَعَ رَسْمَهَا، وَ نَزِيلَ عَنِ الْقُلُوبِ حِفْظَهَا وَ عَنِ قَلْبِكَ يَا مُحَمَّدٌ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى سَنُقَرِّئُكَ فَلَا تُتْسَى - إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يُسَيِّكَ فَرَفَعَ ذِكْرَهُ عَنِ قَلْبِكَ.

۴. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۴۹۱.

۵. ترجمه اشرفی، ص ۵۹۱.

موجود نیستند اما فهم متن و مقصود گوینده در گرو شناخت آنها است که در ادامه به گوشه‌ای از این قرائن اشاره می‌شود:

### ۱/۳. روایات بیان اسباب نزول آیات

یکی از قرائن فهم آیات قرآن شناخت شان نزول یا اسباب نزول آیات می‌باشد که بیانگر جزئیات حادثه‌ای است که هر آیه به سبب آن نازل شده است؛ پیگیری شان نزول آیات به فهم بهتر قرآن کمک شایانی می‌نماید. روشن است که در میان مصادری که بیانگر این امر هستند روایات اهل بیت از جایگاه خاصی برخوردار هستند که در ادامه به نمونه‌هایی از این موارد اشاره خواهیم کرد:

نمونه اول: خداوند متعال در آیه ۷۵ سوره بقره خطاب به مسلمانان می‌فرماید: آیا امید دارید که (یهودیان) به شما ایمان آورند در حالی که گروهی از آنها کلام خداوند را می‌شنیدند و بعد از فهمیدنش آن تحریف می‌کردند با آنکه (حق) را می‌دانستند.<sup>۱</sup>

شان نزول آیه بر اساس تفسیر منسوب، در مورد یهودیانی است که خدمت پیامبر رسیدند و حضرت با معجزه خود بر آنها چیره گشت و با دلائل واضح خود عذری برای آنها باقی نگذاشت به طوری که دیگر نمی‌توانستند دلیلی بیاورند یا در مورد معجزه ایشان دیگران را به اشتباه بیندازند لذا به نبوت پیامبر و جانشینی حضرت علی علیه السلام اذعان کردند اما در خلوت خویش با سایر یهودیان سخن دیگری می‌گفتند که ما تنها اظهار ایمان کرده‌ایم تا به این واسطه دور شدن از سختی‌هایی که از ناحیه «محمد» برای ما به وجود آید ممکن باشد و آنها را به درماندگی خواهیم کشید. این آیه در واقع افشا کننده باطن کار یهودیانی که به این واسطه قصد اطلاع از اسرار مسلمین و متحد کردن دشمنان اسلام را داشتند؛ که آیا امیدوارید که آنها بعد از شکست در مقابل برهان محکم، به شما ایمان آورند اینها همان افرادی هستند که کلام خدا را از طور سینا دریافت می‌کردند و به گونه دیگری برای مردم بازگو می‌کردند در حالی که می‌دانستند دروغ می‌گویند.<sup>۲</sup>

نمونه دوم: در مورد شان نزول آیه ۱۰۴ سوره مبارکه بقره است<sup>۳</sup> که خداوند متعال مسلمانان را از به کار گرفتن لفظ «راعنا» نهی می‌کند در تفسیر منسوب پیرامون شان نزول این آیه از قول امام کاظم علیه السلام آمده که مسلمانان با لفظ راعنا پیامبر را خطاب قرار می‌دادند؛ یعنی مراعات حال ما را بکن و همان طور که ماسخن تو را می‌شنویم، سخن ما را بشنو اما معنای این کلمه در بین یهودیان «بشنو کر شوی» بود وقتی یهودیان متوجه شدند که مسلمانان اینگونه پیامبر را خطاب قرار می‌دهند

۱. «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ».

۲. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۲۹۱.

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ».

با خود گفتند تا به حال پیامبر را مخفیانه ناسزا می‌گفتیم اما از امروز علنی ناسزا می‌گوییم و با لفظ راعنا پیامبر را خطاب قرار داده و اراده ناسزا گویی داشتند. لذا این آیه نازل شد و مسلمانان نهی شدند از اینکه پیامبر را با لفظ «راعنا» خطاب قرار دهند.<sup>۱</sup>

نمونه سوم: شأن نزول ذیل آیه ۱۷۷ سوره مبارکه بقره است که پیرامون ماجرای تغییر قبله و پاسخ خداوند به گروه‌های مخالف می‌باشد که از حقیقت «بر» پرده‌گشایی می‌کند.<sup>۲</sup> امام حسن عسکری از قول امام زین العابدین علیه السلام شأن نزول این آیه را این‌گونه بیان نموده‌اند: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برتری داد علی علیه السلام را و از عظمت او نزد پروردگارش به مردم خبر داد و فضائل شیعه و یارانش را بیان کرد و یهود و مسیحیت را بخاطر کفرشان و کتمان یاد محمد و علی علیه السلام توبیخ نمود هر دو گروه قبله را با محل مامور پیامبر خود معرفی نموده و گفتند این قبله‌ای است که نمازهای بسیاری به سمت آن می‌خوانیم و گروهی از ما به سمت این قبله شب زنده‌داری می‌کنند و هر دو گروه با خود می‌گفتند آیا پروردگار ما نمازها و اعمالی که به سمت قبله خود خواندیم را باطل نموده است؟ پس ما از محمد و برادرش که بر هوای نفس خود است پیروی نمی‌کنیم. اتفاقی که سبب نزول این آیه گشت.<sup>۳</sup>

### ۳/۲. وجوه معانی

یکی از راه‌های ارتباط‌گیری با مفاهیم قرآن که مانع ابهام چگونگی افاده چند معنا از یک آیه می‌شود، شناخت ویژگی حمل کردن بیشترین معنا توسط کمترین الفاظ و اسالیب کلام در کتاب‌الله می‌باشد که با عنوان وجوه معانی آیات معرفی می‌شود. به این معنا که خداوند از یک جمله چندین معنا قصد می‌کند؛ شماری از این معانی چندگانه مربوط به ظاهر آیه و تعدادی نیز مربوط به باطن آیات می‌شود. به دو نمونه پیش رو توجه کنید:

نمونه اول: در تفسیر منسوب برای عبارت لعلکم تتقون در آیه ۲۱ سوره بقره<sup>۴</sup> دو وجه معنایی ذکر شده است وجه اول این است که عبادت کنید خداوندی که شما و کسانی که قبل از شما بودند را خلق کرد تا شما را از آتش دوزخ حفظ کند و وجه دوم اینکه عبادت کنید خداوندی که شما و کسانی

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ص ۴۷۷ و ۴۷۸.

۲. «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ».

۳. برای نمونه بیشتر رک: ذیل آیات: ۱، ۷، ۲۲، ۲۶، ۴۴، ۱۱۳ و ۱۷۴ سوره بقره، به ترتیب در صفحات ۶۲، ۱۱۱ تا

۱۱۳، ۱۵۱، ۲۰۵، ۲۳۴، ۵۴۴ تا ۵۴۵، ۵۵۴ تا ۵۵۷، ۵۸۹.

۴. «يا ايها الناس اعبدو ربك الذي خلقكم و الذين من قبلكم لعلكم تتقون».



که قبل از شما بودند را خلق کرد تا از مخالفت خداوند پرهیز کنید.<sup>۱</sup>  
 نمونه دوم: پیرامون عبارت «استعینو بالصبر و الصلاة»<sup>۲</sup> است که در مورد مفهوم این عبارت دو وجه معنایی ذکر شده یکی کمک گرفتن از صبر و نماز (در کسب توفیق) خدمت به پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام و خدمت به کسانی که این دو (معصوم) به شما امر می‌کنند که با این خدمت مستحق رضوان و بخشش خداوند و نعمت‌های بهشت قرار بگیرید که در روایت هم نشینی با بهترین مومنان، و نگاه کردن به عزت محمد ﷺ سرور اولین و آخرین و به عزت سرور اوصیاء علی بن ابی طالب از جمله این نعم‌ها شمرده شده است. وجه دیگر این عبارت کمک گرفتن از نمازهای پنج‌گانه و درود فرستادن بر محمد و آل محمد در قرب وصول به بهشت نعیم می‌باشد.<sup>۳</sup>

### ب. روایات تبیینی

روایات تبیینی به‌گونه‌ای از روایات تفسیری می‌گویند که به تبیین مبانی، قواعد و روش‌های تفسیر و تأویل می‌پردازد. این‌گونه تفسیری که ۱۶ روایت را به خود اختصاص داده است به سه بخش کلی تبیین مبانی تفسیر، تبیین روش‌های تفسیر و تبیین روش‌های تاویل (جری و تطبیق) تقسیم می‌شود:

#### ۱. تبیین مبانی تفسیر

مبانی قرآن، در واقع همان اصول و پیش فرض‌هایی هستند که در سراسر تفسیر وحی، به آنها نیازمندیم که انحصار تفسیر جامع توسط راسخان، جاودانگی قرآن و عدم رهیایی باطل در قرآن از جمله این مبانی می‌باشند؛ در واقع مفسر با اعتقاد به مورد اول علاوه بر مراجعه به راسخان در تفسیر قرآن، تفسیر خود از آیات قرآن را فصل الخطاب نمی‌داد و با اعتقاد به مبانی دوم قرآن را بر اساس نیاز روز تفسیر می‌کند مفسر همچنین با در نظر داشتن مبانی سوم یعنی عدم وجود باطل در قرآن همه آیات را هدایت‌گر دانسته و از جهت اعتبار و عدم اعتبار آیات قرآن را تفکیک نخواهد کرد. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان از مبانی تفسیر قرآن به قواعد ریشه‌ای و زیر بنایی فهم آیات و فرایند تفسیر قرآن نام برد که عبارت‌اند از:

#### ۱/۱. انحصار تفسیر جامع، توسط راسخان

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۱۴۰ تا ۱۴۲.

۲. بقره: ۴۵.

۳. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۲۳۷.

۴. برای نمونه بیشتر رک: ذیل آیات: ۴۳، ۲۱، ۹۰، ۶۳، ۷۲، ۱۵۹ سوره بقره به ترتیب در صفحات ۱۳۵، ۲۳۱، ۴۰۲،

۲۶۶، ۲۸۲، ۳۰۲.

یکی از مبانی مهم فهم و تفسیر قرآن، انحصار تفسیر جامع در راسخان علم یعنی پیامبر و اهل بیت می‌باشد که دو فایده مهم را در بر خواهد داشت یکی از این فوائد آن است که دستیابی به مقصود واقعی آیه و کنکاش در جوانب مختلف آیه که تفسیر جامع نام دارد فقط از آن پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام است لذا برای فهم و تفسیر واقعی و جامع آیات باید به راسخان علم مراجعه نمود. فایده دوم این مبنا این است که هیچ بشر عادی نمی‌تواند ادعا کند که تمام تفسیر قرآن را با در نظرگرفتن همه جوانب قطعی آن در اختیار او است و غیر از فهم او فهم دیگری درست نیست. امام حسن عسکری علیه‌السلام از قول پیامبر اکرم حدیثی را نقل نموده‌اند که گویای این مطلب است:

... ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَتَدْرُونَ مَنِ الْمُتَمَسِّكُ الَّذِي (بِتَمَسُّكِهِ يَنَالُ) هَذَا الشَّرَفَ الْعَظِيمَ هُوَ الَّذِي أَحَدَ الْقُرْآنَ وَ تَأْوِيلَهُ عَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، أَوْ عَنَّا وَسَائِطِنَا السُّفْرَاءِ عَنَّا إِلَى شِيعَتِنَا، لَا عَنَّا أَرَاءَ الْمُجَادِلِينَ وَ قِيَاسِ الْقَائِسِينَ.<sup>۱</sup>

### ۱/۲. جاودانگی قرآن

یکی از مبانی مهم تفسیر قرآن که از وجوه اعجاب بر انگیز آن هم محسوب می‌شود، بهره‌گیری از این کتاب مقدس در همه عصرها و زمان‌ها است. این مبنا ثابت می‌کند که قرآن برای همه عصرها نازل شده و معنایی عمیق آن به مرور زمان کشف شده و پاسخگوی بسیاری از نیازهای روز جامعه است. بر اساس اعتقاد به این مبنا می‌توان قرآن را بر اساس نیازهای مبتلا به تفسیر و استفاده کرد بدون اینکه از عجائب ملکوتی و معارفی آن کاسته و یا تمام شود؛ مبنایی که در مقدمه تفسیر از لسان امام حسن عسکری علیه‌السلام اینگونه روایت شده است: «لا تنقضی عجائبه...»<sup>۲</sup>

### ۱/۳. عدم راهیابی باطل در قرآن

معارف‌یابی از متن قرآن به‌عنوان کتابی مقدس و نازل شده از طرف خداوند حکیم وابسته به این است که اطمینان کامل داشته باشیم به اینکه تمام این کتاب نور مبین و هادی به سوی رستگاری است و باطلی در این کتاب راه نیافته است. مبنایی که اگر ثابت نشود بسیاری از مباحث معارفی حول قرآن را تحت الشعاع قرار خواهد داد. از امام عسکری علیه‌السلام روایتی در همین تفسیر نقل شده که حضرت ذیل آیه دوم سوره بقره به این مهم تصریح می‌کنند:

... فَأَخْبَرُوا بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي سَأَنْزِلُهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ، كِتَابًا [عَرَبِيًّا] عَرَبِيًّا، لَا يَأْتِيهِ

۱ تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ص ۱۴

۲ همان

الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ... لَا يَمْحُوهُ الْبَاطِلُ.<sup>۱-۲</sup>

## ۲. تبیین روش‌های تفسیر قرآن

روش‌های تفسیر قرآن در واقع راه‌هایی است که به‌وسیله آنها می‌توان به فهم مقصود از آیات و همچنین کشف معارف صحیح قرآنی دست یافت. برخی این روش‌ها ممکن است در برخی کتب تفسیری بسیار بارزتر و حتی انحصاری به چشم آید اما به نظر می‌رسد تفسیر مورد بحث از همه این روش‌ها استفاده نموده است گرچه برخی از ابعاد پر رنگ‌تر به نظر می‌رسد که در ذیل تبیین روش‌های تفسیر قرآن بیان خواهد شد:

### ۲/۱. تفسیر قرآن به قرآن

یکی از روش‌های تفسیر قرآن است که در آن با استفاده از آیات مشابه، معانی آیاتی که موضوع و محتوای مشابه یا حداقل نزدیک به هم دارند استخراج می‌شود. اهل بیت علیهم‌السلام نیز از این روش برای بیان تفسیر قرآن بهره گرفته‌اند که به مواردی از این دسته اشاره خواهد شد:

۱. امام حسن عسکری علیه‌السلام برای تفسیر آیه ۲۱ سوره بقره<sup>۳</sup> به‌صورت غیر مستقیم از آیه ۲۱ تا ۲۳ سوره مرسلات بهره‌جسته‌اند. این آیه صرفاً مردم را به عبادت پروردگار دعوت می‌کند که آنها را خلق کرده اما کیفیت خلقت و معنا و مراد از خلقت در سوره دیگر یعنی سوره مرسلات بیان شده است؛ لذا حضرت برای تفسیر این فراز به آیات **﴿الْم نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ، فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ، إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾** با عبارت: **﴿ثُمَّ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: الَّذِي خَلَقَكُمْ [اعْبُدُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ] مِنْ نُطْفَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ، فَجَعَلَهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ، إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ، فَقَدَرَهُ، فَنِعْمَ الْقَادِرُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾** اشاره می‌کند.<sup>۴</sup>

۲. طبق آیه ۲۱۰ سوره بقره<sup>۵</sup> خداوند متعال کفار را مذمت می‌کند که «آیا آنها انتظار دارند که خدا با ملائکه در پرده‌های ابر بر آنها نازل شود و حکم فرا رسد» اما چرایی این خطاب مذمت آمیز و اتفاقی که موجب نزول این آیه شده چندان مشخص نیست لذا امام حسن عسکری برای تفسیر و

۱. كذا في المصادر، و في الأصل و البحار: ۱۷: «الماء. قال المجلسي (رحمه الله): لا يمحوه الماء لعله مخصوص بالقرآن الذي بخط أمير المؤمنين عليه السلام، أو المراد: عدم محو جميعها بالماء، أو إذا محي بالماء لا يذهب، لأنه آيات بينات في صدور الذين أوتوا العلم، و في بعض النسخ «لا يمحوه الزمان» و هو ظاهر».

۲. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۶۲.

۳. **﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾**

۴. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۱۳۵.

۵. **﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾**.

تبیین این آیه به آیات ۹۰ تا ۹۲ سوره اسراء تمسک می‌کنند که در بر اساس آن آیات کفار درخواست معجزات زیادی از پیامبر داشتند از جمله اینکه «قطعه‌ای از آسمان را بر سر ما فرود آوری یا اینکه خدا و فرشتگانش را بر سر ما نازل کنی» که خداوند متعال با رد این درخواست‌ها به مذمت کفار به‌صورتی که در آیه مشهود است می‌پردازد.<sup>۱</sup>

## ۲/۲. تفسیر قرآن به سنت

این روش از جمله متد تفسیر قرآن است که در آن به تبیین آیات قرآن با استفاده از روایات پرداخته می‌شود خواه معصوم خود آیه‌ای را تفسیر کند یا برای تبیین معنای یک آیه به حدیثی دیگر استناد نماید. معصوم در این ممکن است به بیان میهمات، رفع اجمال از آیه، تقیید آیات مطلق و... بپردازد. شایان ذکر است که این روش در تفسیر مورد بحث بسیار به چشم می‌خورد که در ادامه به نمونه‌هایی از این روش تفسیری اشاره خواهد شد:

نمونه اول: خداوند متعال در آیه هفتم سوره مبارکه بقره می‌فرماید: ﴿حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ تبیین امام پیرامون فراز آخر آیه می‌باشد که مراد از عذاب عظیم، فقط عذاب آخرت نیست و کفار در دنیا نیز متوجه نوعی عذاب خواهند شد. در روایتی برای تفسیر این فراز اینگونه آمده است:

يَعْنِي فِي الْآخِرَةِ الْعَذَابَ الْمُعَدَّ لِلْكَافِرِينَ، وَ فِي الدُّنْيَا أَيْضًا لِمَنْ يُرِيدُ أَنْ يَسْتَصْلِحَهُ - بِمَا يُنَزَّلُ بِهِ مِنْ عَذَابِ الْإِسْتِصْلَاحِ لِيُبَيِّنَهُ لِبَطَاعَتِهِ، أَوْ مِنْ عَذَابِ الْإِضْطِلَامِ - لِيُصَيِّرَهُ إِلَى عَذَلِهِ وَ حِكْمَتِهِ؛<sup>۲</sup> کفار در آخرت گرفتار عذابی خواهند شد که برایشان آماده شده است و در دنیا نیز این عذاب برای کسانی خواهد بود که خدا می‌خواهد آنها را به‌وسیله عذاب‌های بیدارکننده اصلاح کند. تا اینکه [این بندگان] با این عذاب‌های بیدارکننده متوجه لزوم عبادت و اطاعت خدا شده و با عذاب‌های بیچاره‌کننده [ای که گرفتارش می‌شوند به خود آمده و] به مسیر حکمت و عدالت الهی بازگردند.

نمونه دوم: نمونه دوم پیرامون آیه ۲۱ سوره مبارکه بقره می‌باشد<sup>۳</sup> در این آیه به کیفیت خلقت اشاره نشده است لذا آیه از این جهت نیازمند تفسیر است که مراد از این خلقت چه کیفیتی از خلقت می‌باشد (خلقت اولیه و نفخ روح یا تکامل در رحم مادر) این آیه بواسطه یک روایت تفسیر شده است و شیوه و مراحل خلقت از قول رسول خدا اینگونه بیان شده است:

۱. برای نمونه بیشتر ر ک: ذیل آیات ۱۵، ۲۴، ۷۴، ۸۸ به ترتیب در صفحات ۱۲۵، ۱۵۴، ۲۸۴ و ۲۸۵، ۳۹۰.

۲. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۹۸.

۳. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾.

رسول خدا ﷺ فرمودند: نطفه چهل روز در جایگاه رحم قرار می‌گیرد، سپس به علقه تبدیل می‌شود در چهل روز، سپس چهل روز به مضغه و بعد از آن استخوان‌ها می‌روید و گوشت آن را فرا می‌گیرد، پس از آن خداوند بر آن پوست می‌پوشاند و سپس مو بر آن می‌پوشاند.<sup>۱</sup>

نمونه سوم: در این نمونه نیز فراز «و آتی الزکاه» در آیه ۱۷۷ سوره بقره بواسطه کلام امام به شیوه تقييد مطلق، تفسیر شده است. خداوند متعال در این آیه مصادیق واقعی «بر» را بیان می‌کند که از جمله این مصادیق پرداخت زکات به مساکین است که از جهت زکات گیرنده اطلاق دارد اما در روایت تفسیر منسوب ذیل این آیه پرداخت زکات مقید به برادران مومن شده است: «و آتی الزکاة الواجبة علیه لإخوانه المؤمنین»<sup>۲</sup> که از نمونه‌های تقييد مطلق بشمار می‌رود.<sup>۳</sup>

### ۲/۳. تبیین روش‌های تأویل (جری و تطبیق)

علامه طباطبایی در تعریف جری و تطبیق می‌فرماید:

قرآن کریم از جهت انطباق مفاهیمش با مصادیق و نمونه‌های خارجی و تبیین وضعیت (هدایت یا گمراهی) آنان، گستره ویژه‌ای دارد؛ زیرا آیات آن منحصر به مورد نزولش نیست، بلکه در هر مورد دیگری که ملاک و ویژگی مورد نزول را داشته باشد، جاری می‌شود. آیات قرآن مانند ضرب المثل‌ها است که نخستین بار، در مورد خاصی گفته شده ولی در هر مورد مشابه دیگری نیز به کار می‌رود. این معنا همان چیزی است که در روایات به «جری» قرآن، نام‌گذاری شده است.<sup>۴</sup>

به‌عنوان نمونه به یک مورد اشاره می‌کنیم:

خداوند متعال در آیه ۶۳ سوره بقره می‌فرماید:

﴿وَإِذَا أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ لَا تَخْرُجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ

دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ﴾

روشن است که آیه مذکور در مورد بنی اسرائیل است و خداوند متعال به این قوم یاد آوری می‌کند که شما را از ریختن خون یکدیگر و بیرون راندن دیگران از دیار و محل زندگیشان نهی کرده بودیم و

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۵۹۳.

۳. برای نمونه بیشتر رک: ذیل آیات ۴۸، ۸۳، ۱۰۱، ۱۱۱، ۸۳، ۱۰۹، ۶۴ به ترتیب در صفحات ۱۴۲، ۳۵۳، ۴۷۱،

۵۲۶، ۳۲۶، ۵۱۵، ۲۶۷.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳ ص ۶۷.

شما بر این مطلب شهادت داده بودید اما این آیه گرچه در مورد قوم بنی اسرائیل است اما می‌توان از باب جری و تطبیق بر مصداقی که حتی در قرنهای بعد به وجود آمده نیز منطبق گردد؛ فرایندی که در روایت امام حسن عسکری از رسول خدا ﷺ به روشنی قابل مشاهده است<sup>۱</sup> این روایت پس از تشریح جنایت‌های قوم بنی اسرائیل به مسئله شهادت امام حسین ﷺ اشاره نموده و آیه مورد نظر را به آن واقعه تطبیق می‌دهند با وجود اینکه بین نزول آیه و سرگذشت بنی اسرائیل با ماجرای شهادت امام حسین ﷺ فاصله زیادی وجود دارد.<sup>۲</sup>

### ج. روایات تفسیر آیات به مدالیل متعارف در محاوره عقلاء

تفسیر قرآن کریم در بسیاری از موارد به استفاده از روش‌های معمول و متداول در محاوره عقلاء گره می‌خورد. یعنی رهیابی به این مهم که عقلاء عالم برای فهم هر متن به چه روش‌هایی تکیه می‌کنند و بر اساس آن چه فهمی از متن دارند؟ اگر چه این روش برای فهم تمام معارف و حقائق قرآن کافی نیست اما راه حلی عقلانی است که بواسطه آن فهم نسبی از آیات قرآن حاصل می‌شود. امام حسن عسکری ﷺ نیز بر اساس تفسیر منسوب به راه‌حل‌های عقلانی از جمله بیان مدالیل الفاظ و عبارات، تفسیر تشریحی و بیان مصادیق اهتمام ورزیده‌اند و با بهره‌گیری از روش‌های معمول و محاوره‌ای به تفسیر آیات قرآن پرداخته‌اند. در این گونه تفسیری ۴۸ نمونه ذکر و یا ارجاع داده شده است:

#### ۱. تفسیر الفاظ یا بیان مدالیل الفاظ و عبارات

قرآن کریم به زبان عربی و در قالب آواها، الفاظ، کلمات، جملات ترکیبی و کنایه‌ها و تمثیل‌ها نازل شده است لذا راه اولی که محاوره عقلا در تفسیر هر متنی مانند قرآن بدان تکیه می‌کنند توجه به دلالت‌های الفاظ و عبارات است که از طرقی قابل پیگیری است:

##### ۱/۱. اشتقاق

مراد از اشتقاق شناخت ریشه کلمات و حروف اصلی آن است که بدین واسطه معنای ریشه کلمه و سپس خود کلمه مشخص و واضح گردد لذا روایات تفسیر منسوب در قالب بیان ریشه و معنای واژه

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ فِي الْيَهُودِ، هَؤُلَاءِ الْيَهُودِ [الَّذِينَ] تَقَضُّوا عَهْدَ اللَّهِ، وَ كَذَّبُوا رُسُلَ اللَّهِ، وَ قَتَلُوا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ-: مَنْ يُضَاهِيهِمْ مِنْ يَهُودِ هَذِهِ الْأُمَّةِ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِي يَنْتَحِلُونَ بِأَنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِي، يَقْتُلُونَ أَفْضَلَ ذُرِّيَّتِي وَ أَطْلَابِ أَرْوَمِي، وَ يُبَدِّلُونَ شَرِيْعَتِي وَ سُنَّتِي، وَ يَقْتُلُونَ وَلَدِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ كَمَا قَتَلَ أَسْلَافُ هَؤُلَاءِ الْيَهُودِ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى. أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ يَلْعَنُهُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ، وَ يَبْعَثُ عَلَيَّ بَقَايَا ذُرَارِيَّتِهِمْ- قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ هَادِيًا مُهْدِيًا- مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ، يُحَرِّقُهُمْ ۱ [بِسُيُوفِ] أَوْلِيَائِهِ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ».

۲. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۳۶۹.

و کلمه مفهوم الفاظ قرآن را تبیین کرده اند:

بیان ریشه کلمات: در تفسیر منسوب ذیل آیه سوم سوره حمد ریشه واژه «الرحمن» را «الرحمه» بیان کرده‌اند و رحمن را مشتق از مصدر رحمه دانسته‌اند: «الرحمن مشتق من الرحمة»<sup>۱</sup> روشن است که این تفسیر، برخاسته از الفاظ متعارف به شیوه متعارف می‌باشد که فهم جنبه‌های آن نیازمند علوم ماورائی نیست و امام علیه السلام از همین روش بهره برده‌اند.

۱۶۵



بیان معنای کلمات: برخی از روایات ریشه کلمه را بیان نمی‌کنند اما مفهوم و معنای یک کلمه را تبیین می‌کنند که در تفسیر منسوب به مواردی این چنینی بر می‌خوریم. به عنوان نمونه، امی منسوب به ام و به معنای کسی که از مادرش متولد شده دانسته شده است

كَالْأُمِّيِّ مُنْسُوبٌ إِلَى أُمِّهِ أَيُّ هُوَ كَمَا خَرَجَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ لَا يَقْرَأُ وَلَا يَكْتُبُ.<sup>۲</sup>

همچنین واژه «حضور» به معنای کسی که به زنان نزدیکی نمی‌کند «هو الذی لایتاتی النساء»<sup>۳</sup> معنا شده و کلمه جلاله «الله» نیز اینگونه تفسیر شده است:

اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَتَأَلَّهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوَائِجِ وَالشَّدَائِدِ - كُلُّ مَخْلُوقٍ [وَأ] عِنْدَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ كُلِّ مَنْ دُونَهُ - وَتُقَطَّعُ الْأَسْبَابُ مِنْ جَمِيعِ مَنْ سِوَاهُ.<sup>۴</sup>

## ۱/۲. علم نحو

همان‌طور که بیان شد از جمله راه‌های تفسیر الفاظ با مدالیل متعارف، شناخت ترکیبات معنایی و فهم عبارات تلفیقی است که امروزه بر عهده علمی به نام علم نحو قرار داده شده است. راهکاری که در تفسیر منسوب به روشنی به چشم می‌آید که نمونه‌هایی از بکارگیری علم نحو بیان خواهد شد: نمونه اول: عدم وجود استدراک در عبارت «او اشد قسوه»:

خداوند متعال در آیه ۷۴ سوره مبارکه بقره: ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ

أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً﴾.

قلوب کفار را صاحب قساوت می‌داند و در وصف این قساوت به سنگ یا سخت‌تر از سنگ می‌داند. ممکن است در بیان مفهوم آیه این‌گونه بیان شود که این قلوب مثل سنگ بلکه سخت‌تر از

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۲۹۹.

۳. همان، ص ۶۶.

۴. همان ص ۲۱.

۵. برای نمونه بیشتر ر ک: ذیل آیات ۶، ۴۶، ۱۰۲، ۸۵، ۱۱۱ به ترتیب در صفحات ۹۱، ۲۳۸، ۴۷۴، ۳۶۸، ۵۲۷.

سنگ است که نتیجه آن این است که «او» به معنای «بل» باشد. طبق روایت موجود در تفسیر منسوب او به معنای بل استدراکیه نیست چراکه این استدراک، استدراک و بازگشت از کلام غلط است و شأن خدا با این موضوع تنافی دارد:

وَ لَيْسَ مَعْنَاهُ: بَلْ أَشَدُّ قَسْوَةً، لِأَنَّ هَذَا اسْتِدْرَاكٌ غَلَطٌ، وَ هُوَ عَرَّ وَ جَلَّ يَرْتَفِعُ [عَنْ] أَنْ يَغْلَطَ فِي خَبَرٍ - ثُمَّ يَسْتَدْرِكُ عَلَى نَفْسِهِ الْغَلَطَ، لِأَنَّهُ الْعَالِمُ بِمَا كَانَ وَ بِمَا يَكُونُ - وَ بِمَا لَا يَكُونُ أَنْ لَوْ كَانَ كَيْفَ كَانَ يَكُونُ، وَ إِنَّمَا يَسْتَدْرِكُ الْغَلَطَ عَلَى نَفْسِهِ الْمَخْلُوقِ الْمَنْقُوصِ.<sup>۱</sup>

نمونه دوم: معنای «باء» در آیه بسم الله:

یکی از مراحل ترجمه آیه اول سوره حمد فهم معنای «باء» می‌باشد و ممکن است با به معنای سببیت یا استعانت باشد. در تفسیر منسوب ذیل این آیه «باء» به معنای استعانت دانسته شده است چنانچه متن روایت به تقویت احتمال دوم شهادت می‌دهد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ [أَيُّ اسْتَعِينُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا بِاللَّهِ - الَّذِي لَا تَحِقُّ الْعِبَادَةُ إِلَّا لَهُ، الْمَغِيثُ إِذَا اسْتُعِثَ، وَ الْمُجِيبُ إِذَا دُعِيَ].<sup>۲</sup>

نمونه سوم: معنای «باء» در آیه ۱۷۵ سوره بقره:

خداوند متعال در آیه مذکور می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى وَ الْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ» یکی از راه‌های فهم مراد و مقصود خداوند توجه به معنای «باء» در دو فراز «استرو الضلاله بالهدى و العذاب بالمغفرة» می‌باشد که طبق روایت زیر به معنای مقابله می‌باشد:

أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى أَخَذُوا الضَّلَالََةَ عِوَضًا عَنِ الْهُدَى وَ الرَّدَى - فِي دَارِ الْبَوَارِ بَدَلًا مِنَ السَّعَادَةِ - فِي دَارِ الْقَرَارِ وَ مَحَلِّ الْأَبْرَارِ.<sup>۳</sup>

### ۱/۳. بلاغت

دانش بلاغت از جمله فنون ادبی است که به شیوا سخن گفتن کمک می‌کند. از این دانش می‌توان به‌عنوان ابزار فهم به شیوه متعارف و عقلانی یاد کرد. در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری برخی از آیات با تاکید بر نکات بلاغی چون بیان وجه شبه، به کارگیری استعاره و... تفسیر شده‌اند که در ادامه به سه نمونه اشاره خواهد شد:

نمونه اول: بیان وجه شبه در آیه ۱۹ سوره بقره:

۱. همان، ص ۲۸۳ و ۲۸۴.

۲. همان، ص ۲۱ و ۲۲.

۳. همان، ص ۵۸۶.



خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره بقره در مورد کفار می‌فرماید: ﴿أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ که در واقع کفار مانند کسانی هستند که در تاریکی (بیابانی) گرفتار شده‌اند و صاعقه و رعد و برق بر سر آنها فرود می‌آید اما تنها کارشان این است که از ترس مرگ انگشت در گوش خود فرو کرده‌اند تا صدای صاعقه و رعد و برق را نشنوند وجه شبه رفتار کفار با گروه گرفتار در طوفان و صاعقه اینگونه بیان شده است:

كَمَا يَجْعَلُ هَؤُلَاءِ الْمُتْلُونَ بِهَذَا الرَّعْدِ [وَالْبَرْقِ] أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ لِنَلَا يَخْلَعُ صَوْتُ الرَّعْدِ أَفْتِدَتَهُمْ، فَكَذَلِكَ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ - إِذَا سَمِعُوا لَعْنَتَكَ لِمَنْ نَكَثَ الْبَيْعَةَ وَوَعِيدَكَ لَهُمْ إِذَا عَلِمْتَ أَحْوَالَهُمْ<sup>۱</sup>.

نمونه دوم: بیان استعاره در آیه ۷ سوره بقره:

قرآن کریم در آیه ۷ سوره بقره در مورد بد کیشان می‌فرماید: ﴿حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ یعنی خدا بر قلب‌ها و گوش‌های آنان مهر زد و بر چشم‌های آنان نیز پرده‌ای افکند و برایشان عذابی بزرگ است. روشن است که خداوند این عبارات و همچنین عبارت «و علی ابصارهم غشاوه» را در قالب استعاره بیان فرموده به این دلیل که حقیقتاً در این عالم بر چشم آنها پرده‌ای قرار داده نشده بلکه به سبب دین‌گریزی و عدم ایمان به خداوند متعال انگار که به چشم آنها پرده‌ای افکنده شده که حقیقت را نمی‌بینند نکته‌ای که از روایت زیر به روشنی قابل برداشت است:

وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ لَمَّا أَعْرَضُوا عَنِ النَّظَرِ فِيَمَا كَلَّفُوهُ وَ فَصَّرُوا فِيَمَا أُرِيدَ مِنْهُمْ [وَ] جَهَلُوا مَا لَزِمَهُمْ مِنَ الْإِيمَانِ بِهِ، فَصَارُوا كَمَنْ عَلَى عَيْنَيْهِ غِطَاءٌ لَا يُبْصِرُ [مَا] أَمَامَهُ<sup>۲</sup>.

نمونه سوم: بیان وجه شبه در آیه ۱۷ سوره بقره:<sup>۳</sup>

خداوند متعال در این آیه در مورد بدکیشان و منافقان می‌فرماید مثل اینها مانند کسی است که آتشی را برای خود مهیا می‌کنند و اطراف خود را می‌بینند، در این هنگام خداوند بواسطه باد یا باران، نور آنها را از بین می‌برد و خاموش می‌کند وجه شبه در روایت تفسیر منسوب اینگونه بیان شده است که منافقین وقتی با علی بن ابی‌طالب علیه السلام بیعت می‌کنند در واقع توحید و نبوت ظاهری را قبول

۱. همان، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۹۸.

۳. ﴿مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ﴾.

کرده‌اند اما وقتی از دنیا می‌روند اسرار آنها فاش می‌شود و خداوند آنها را بخاطر باطن کفر آلودی که دارند عذاب می‌کند و این همان زمانی است که نور آنها از بین می‌رود و به تاریکی مبدل می‌شوند.<sup>۱</sup>

## ۲. تفسیر تشریحی

تفسیر تشریحی در واقع به معنای بیان مقصود خداوند از آیه می‌باشد که شواهد متعددی از روایات در این رابطه وجود دارد؛

نمونه اول: تفسیر سیئه محیطه:

در فراز اول آیه ۸۱ سوره بقره: «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» عبارت سیئه محیطه به چشم می‌خورد. خداوند متعال در این آیه گروهی که گناه کاراند و گناهان وجود آنها را احاطه کرده است را مستحق عذاب جهنم می‌داند اما مقصود از سیئه محیطه چندان واضح نیست. در تفسیر منسوب سیئه محیطه به گناهی گفته می‌شود که انسان را از دین خدا خارج کرده و او را از ولایت خداوند بیرون کند و همچنین در سخط و عذاب خدا بیندازد که در حد شرک به خدا و کفر به اوست.<sup>۲</sup>

نمونه دوم: مقصود از «من بعد ذلک» در آیه ۷۴ سوره بقره:<sup>۳</sup>

خداوند متعال در این آیه مبارکه می‌فرماید: «سپس قلوب شما سخت شد بعد از این» مقصود از عبارت من بعد ذلک در روایت موجود در تفسیر منسوب پس از دو دوره تاریخی متفاوت دانسته شده است یکی بعد از مشاهده نشانه‌های قاطع در زمان حضرت موسی علیه السلام «مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّتُ مِنَ الْآيَاتِ الْبَاهِرَاتِ فِي زَمَانِ مُوسَى عليه السلام» و همچنین آیات و معجزاتی که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام شده است. «و مِنَ الْآيَاتِ الْمُعْجَزَاتِ - الَّتِي شَاهَدْتُمُوهَا مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله».<sup>۴</sup>

نمونه سوم: معنای قساوت قلب در آیه ۷۴ سوره بقره:<sup>۵</sup>

یکی از عباراتی که مقصود از آن نیاز به توضیح دارد عبارت «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ» می‌باشد که معنای آن در یکی از روایات تفسیر منسوب به خشک شدن قلب از خیر و رحمت تفسیر شده است:

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ: عَسَتْ وَ جَفَّتْ وَ بَيَّسَتْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الرَّحْمَةِ [قُلُوبُكُمْ]

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۳۰۴.

۳. «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْفَقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»

۴. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۲۸۳.

۵. «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْفَقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»

### ۳. تفسیر مصداقی لفظ

تفسیر الفاظ و عبارات قرآن کریم گاهی با بیان مصداق امکان پذیر می‌باشد به این معنا که با ذکر مصداق یک مفهوم مستقل که برخاسته از کلمه یا عبارت باشد می‌توان مقصود خداوند را کشف نمود. این مصداق گاهی عام و معمولی و در پاره‌ای از اوقات مصداق اتم و اکمل یک معنا می‌باشند که به تفصیل اشاره خواهد شد:

#### ۱/۴. مصداق عام و معمولی

در محاورات عمومی که از چشم قاطبه مردم مخفی نمی‌ماند، برای تفسیر یک لفظ و بیان مفهوم و مراد از آن به بیان مصداق آن روی می‌آورند که این مصداق در بیشتر اوقات مصداق عام و معمولی لفظ می‌باشد و انحصار لفظ در این مصداق یا اتم بودن را در درون خود نهفته نکرده است. در ادامه به پاره‌ای از این نوع تفسیر و تبیین مراد که در روایات تفسیر منسوب به چشم می‌خورد اشاره خواهد شد:

۱. در آیه ۴۴ سوره بقره<sup>۳</sup> آمده است که آیا مردم را به «بر» دعوت می‌کنید و خودتان را فراموش می‌کنید؟ در این رابطه لازم است معنای کلمه «بر» مشخص گردد و از جمله راه‌های فهم معنای بر توجه به مصداق آن است چنانچه در روایتی دو مصداق پرداخت صدقات و اداء امانت برای این لفظ به‌نحو غیر انحصاری ذکر شده است: «**تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ بِالصَّدَقَاتِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَاتِ**»<sup>۴</sup> به این جهت که «بر» مصداق فراوانی دارد و تنها دو مصداق آن در روایت بیان شده است.

۲. در آیه ۷ سوره حمد دو گروه «مغضوب علیهم» و «الضالین» در شمار منحرفین از دین خدا معرفی شده‌اند و روشن است گروه اول مصداق متعدد و فراوانی دارد اما بر اساس روایتی از امام حسن عسکری در تفسیر منسوب این افراد یهودیان می‌باشند: «و هم الیهود»<sup>۵</sup> و این از باب بیان مصداق عام و معمولی لفظ است و انحصاری در قوم یهود ندارد.<sup>۶</sup>

۱. همان، ص ۲۸۳.

۲. برای نمونه بیشتر ر.ک: ذیل آیات ۴ و ۶ سوره حمد و همچنین آیات: ۲، ۹، ۱۰، ۱۶، ۲۷، ۴۰، ۴۷، ۵۸، ۷۴، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴ به ترتیب در صفحات ۳۸، ۴۴، ۶۲، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۶، ۲۰۶، ۲۶۶، ۲۸۳، ۲۲۷، ۲۴۰.

۳. ۴۴۳، ۴۷۴، ۵۱۵، ۵۵۴، ۵۶۰.

۴. «**تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ**».

۵. تفسیر امام حسن عسکری، ص ۲۳۴.

۶. همان، ص ۵۰.

۷. برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ذیل آیات ۲، ۳ و ۲۶ سوره بقره در صفحات ۳۰، ۷۵ و ۲۰۵.

### مصادیق اتم و اکمل

بخش دوم از بیان مصادیق الفاظ، بیان کامل‌ترین و تام‌ترین مصادیق الفاظ می‌باشد. روشن است که این روش باید به‌گونه‌ای انجام گیرد که اکثر مصادیق آن معنا به‌نحو تمام و کمال ذکر شود و یا مصادیقی بیان شود که بقیه مصادیق به‌نحوی زیر مجموعه آن مصادیق واقع شوند. در ادامه به یک نمونه از این قسم بسنده می‌کنیم:

از آنجا که تفسیر ایمان به «غیب» در آیه مبارکه ممکن است محل سؤال باشد امام علیه السلام در قالب روایتی بعد از تفسیر مفهوم غیب به بیان کامل‌ترین مصادیق این کلمه اشاره می‌کنند:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ يَعْنِي بِمَا غَابَ عَنْ حَوَاسِبِهِمْ - مِنَ الْأُمُورِ الَّتِي يَلْزَمُهُمُ الْإِيمَانُ بِهَا، كَالْبُعْثِ [وَ الشُّور] وَ الْحِسَابِ وَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، وَ تَوْحِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سَائِرِ مَا لَا يُعْرَفُ بِالمُشَاهَدَةِ.<sup>۲۱</sup>

### د. روایات تفسیر به مدالیل مغفول در محاوره عقلاء

در گونه قبل، از رویکرد تفسیری بحث شد که در آن تفسیر به مدالیل غیر مغفول در محاوره عقلا امکان‌پذیر بود و در واقع این پایش ترجمانی دور از چشم محاوره عمومی عقلای عالم نمانده بود اما در این گونه تفسیری از مدالیل مغفول در محاوره عقلا سخن می‌گوییم یعنی معانی که با روش عقلائی سابق نمی‌توان کشف نمود و به ناچار باید به روایات معتبر مراجعه کرد تا باطن الفاظ و عبارات را که با طریق معمول و ظاهری نمی‌توان فهمید برای مخاطب کشف شود در ادامه به تنها مورد این گونه یعنی تفسیر باطنی قرآن اشاره خواهیم کرد:

### تفسیر باطنی قرآن

تفسیر باطنی در واقع بیان حقیقت عبارات قرآنی است که از ظاهر الفاظ قابل برداشت نیستند در ادامه به نمونه زیر توجه کنید: در آیه ۸۳ سوره بقره<sup>۳</sup> احسان به والدین در شمار میثاق‌های خداوند از بنی اسرائیل قرار گرفته و روشن است که بر اساس ظاهر الفاظ مراد از والدین پدر و مادرهای نسبی انسان‌ها هستند اما در روایتی از تفسیر منسوب روایتی نقل شده که این عبارت به‌گونه دیگری معنا شده است: «انا و علی ابوا هذه الامه»<sup>۴</sup> و این در واقع بیان باطن الفاظ قرآنی است. فراز دیگر همین آیه مبارکه پیرامون احسان به یتیم‌ها و مساکین است و روشن است که بر حسب

۱. همان، ص ۶۷.

۲. برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: ذیل آیات ۴۳ و ۱۶۹ سوره بقره به ترتیب در صفحات ۲۳۱، ۵۸۱.

۳. ﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾.

۴. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۳۳۰.

ظاهر الفاظ مراد از یتیم کسی است که پدر از دست داده و مراد از مسکین نیازمندی است که از شدت فقر خانه نشین شده است اما با مراجعه به برخی روایات مشاهده می‌کنیم که یتیم به «یَتِيمٌ [يَنْقَطِعُ] عَنْ اِمَامِهِ لَا يَقْدِرُ عَلَى الوُصُولِ اِلَيْهِ، وَ لَا يَدْرِ كَيْفَ حُكْمُهُ فِيمَا يُتَكَلَّى بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ... الْمُنْقَطِعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حَجْرِهِ»<sup>۱</sup> تفسیر شده است.<sup>۲</sup>

### ح. بیان رموز قرآن

الفاظ و عبارات قرآن کریم گاهی به صورت رموزی در قالب حروف بیان شده‌اند مانند: «الم» و... فهم این رموز از عهده بشر بیرون است و باید برای فهم دلالت‌های رمزی آیات قرآن به روایات اهل بیت علیهم‌السلام مراجعه کرد گرچه ثابت نیست مفهوم تمام رموز قرآنی برای ما گشوده شده باشد. در پاره‌ای از اوقات نیز در ظاهر آیه وجود هیچ رمزی درک نمی‌شود اما اهل بیت علیهم‌السلام معانی رمزی آن آیه را در قالب بیان معنای رمزی هر حرف قرآنی بیان می‌کنند لذا بیان رموز به بیان رموز حروف مقطعه و حروف ترکیبی قابل تقسیم است که در تفسیر منسوب تنها نمونه اول موجود است.

#### حروف مقطعه

حروف جدا جدا یا همان مقطعه که به صورت ترکیبی حاوی پیامی برای مخاطب عام نیستند در واقع رموزی هستند بین خداوند متعال و پیامبر که بیان مدالیل آنها در برخی از روایات تفسیر منسوب اشاره شده است که در ادامه با ذکر نمونه‌ای از این بخش عبور می‌کنیم:

در تفسیر منسوب از قول امام صادق علیه‌السلام پیرامون معنای آیه اول سوره بقره «الم» اینگونه آمده است:

قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام ثُمَّ الْأَلِفُ حَرْفٌ مِنْ حُرُوفِ قَوْلِكَ «اللَّهُ» دَلٌّ بِالْأَلِفِ عَلَى قَوْلِكَ: اللَّهُ. وَ دَلٌّ بِاللَّامِ عَلَى قَوْلِكَ: الْمَلِكُ الْعَظِيمُ، الْقَاهِرُ لِلْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ دَلٌّ بِالْمِيمِ عَلَى أَنَّهُ الْمَجِيدُ [الْكَرِيمُ] الْمَحْمُودُ فِي كُلِّ أَعْمَالِهِ. وَ جُعِلَ هَذَا الْقَوْلُ حُجَّةً عَلَى الْيَهُودِ.<sup>۳</sup>

### خ. روایات بیان جزئیات قصص قرآنی

در این گونه تفسیری همان‌طور که پیدا است از مکان‌هایی که مربوط به صدور یا مسائل پیرامونی آیه است و یا اشخاص مرتبط که در آیه نامشان نیامده است سخن به میان خواهد آمد. همچنین از

۱. همان، ص ۳۳۹.

۲. برای نمونه بیشتر ر.ک: ذیل آیات ۳۱، ۵۸، ۷۹، ۳۵، ۱۰، ۹۷، ۹۹، ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۳ به ترتیب در صفحات: ۲۱۷، ۲۶۰، ۳۰۳، ۲۲۱، ۱۱۷، ۴۵۱ و ۴۵۲، ۴۵۹، ۵۷۰، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۳، ۱۲۰.

۳. همان، ص ۶۳.

معارف، قصص و احکامی که ذیل هیچ کدام از گونه‌های سابق قرار نگرفته‌اند می‌توان سخن گفت. در این بخش به حسب مطالب موجود در تفسیر منسوب به روایات بیان کننده قصص قرآنی و اشاره خواهیم کرد:

نمونه اول: آیه ۵۸ سوره بقره<sup>۱</sup> در مورد قصه بنی اسرائیل است که خداوند متعال به آنها امر می‌کند بر بیت المقدس وارد شوند و از نعمات آن استفاده کنند ضمن اینکه از خداوند در خواست بخشش کرده و سجده می‌کنند اما بنی اسرائیل از این دستور سر باز زدند دلیل این نا فرمانی در روایت مشاهده تمثال پیامبر و حضرت علی علیه السلام و دستور به تجدید عهد و پذیرش ولایت آن دو جناب دانسته شده است.<sup>۲</sup>

نمونه دوم: آیه ۵۹ سوره بقره<sup>۳</sup> پیرامون گرفتاری بنی اسرائیل به عذاب آسمانی است اما مراد از رجز چیست و دقیقاً چه چیزی بر سر این قوم فرود آمده سؤالی است که جزئیات آن در تفسیر منسوب قابل مشاهده است. در تفسیر مذکور رجز به معنای بیماری طاعون است که بدین شرح بیان شده است:

قَالَ: وَ الرَّجْزُ الَّذِي أَصَابَهُمْ أَنَّهُ مَاتَ مِنْهُمْ بِالطَّاعُونِ - فِي بَعْضِ يَوْمِ مِائَةِ  
وَ عَشْرُونَ أَلْفًا، وَ هُمْ مَنْ عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُمْ أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَ لَا  
يُتُوبُونَ...<sup>۴</sup> .

### نتیجه گیری

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام حاوی روایات مختلف مرتبط با تفسیر قرآن کریم می‌باشد که در امتداد تفسیر به صورت پراکنده ذیل آیات متعدد بیان شده‌اند. گونه‌شناسی تفسیر منسوب به دسته‌بندی روشمند و منطقی مباحث تفسیر کمک نموده است. در مقاله پیش رو شش گونه تفسیری بیان و ارزیابی شد که در گونه اول روایات بیان فضائل قرآن (خواص مادی و فوائد معنوی)، روایات توجه به ویژگی‌های گوینده و مخاطب وحی در تفسیر قرآن و همچنین معرفی راه‌های ارتباطی رسیدن به مقصود آیات (اسباب نزول، نسخ، وجوه معانی) ذکر شده و در گونه دوم به

۱. «وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُولُوا حِطَّةً نَنْغِرْ لَكُمْ حَاطَاكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»

۲. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۲۶۰.

۳. «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ».

۴. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۲۶۱.

۵. آنچه بیان شد ذیل آیات ۷۵، ۶۵، ۶۳، ۵۱، ۷۹، به ترتیب در صفحات ۲۹۲، ۲۶۸، ۲۶۶، ۲۴۸ تا ۲۵۱، ۳۰۲.

تبيين مبانی تفسیر(انحصار تفسیر جامع توسط راسخان، جاودانگی قرآن، عدم راهیابی باطل در قرآن)، تبیین روش‌های تفسیر قرآن (تفسیر قرآن به قرآن و قرآن به سنت) و تبیین روش‌های جری و تاویل توجه شده است همچنین در گونه سوم به تفسیر الفاظ یا بیان مدالیل الفاظ و عبارات (اشتقاق، نحو، بلاغت)، تفسیر تشریحی و تفسیر مصداقی لفظ (مصادیق عام و معمولی و مصادیق اتم و اکمل)، در گونه چهارم به تفسیر بطنی و در گونه پنجم به روایات تفسیر حروف مقطعه و در گونه ششم به جزئیات قصص قرآنی اشاره شده است. این تحقیق می‌تواند به شناخت فهرستی موضوعات مختلف تفسیری و تاویلی به جهت تحلیل و اعتبارسنجی محتوایی تفسیر کمک شایانی بنماید.

۱۷۳

